علم‌الهدی سیّد مرتضی

آیت‌الله بهجت ﷺ می‌فرمودند: «این سه شخصیت (سید مرتضی، شیخ مفید و شیخ طوسی رحمهم‌الله) خیلی بزرگوار بوده‌اند و تقریباً به مذهب حیات دادند؛ بلکه شالوده و اساس و پایه مذهب تشیع را اینها ریخته‌اند. وقتی در مجلس خواجه نصیرطوسی سخن از سید مرتضی می‌آمد، می‌فرمود: صلوات‌الله علیه».

آن شب، شیخ خواب عجیبی دید. حضرت زهرا ﷺ را در عالم رؤیا دید. دست دو فرزند خود، حسن و حسین ﷺ را ـ در حالی که در سن کودکی بودند ـ گرفته بود. نزد شیخ آمد و به او فرمود: «ای شیخ، به این دو، فقه بیاموز». صبح هنگام، در فکر خواب دیشب بود. اما این حیرت چندان طول نکشید. پس از مدتی زن سیدی که فاطمه نام داشت، نزد شیخ آمد. درحالی‌که دست دو پسرش را گرفته بود رو به شیخ کرد و گفت: «ای شیخ، به این دو، فقه بیاموز». این‌گونه بود که سیدِ مرتضی و برادرش سیدِ رضی شاگردان سفارشی شیخ مفید شدند.

علی‌بن‌حسن، مشهور به سید مرتضی، در سال ۳۵۵ هـ.ق. در شهر بغداد به دنیا آمد. نسب شریفش با پنج واسطه به حضرت موسی‌بن‌جعفر ﷺ می‌رسد.

سید را «علم‌الهدی» هم می‌گویند. این لقب، حکایتی شیرین دارد. نقل است که در سال ۴۲۰ هـ.ق. القادربالله، وزیر خلیفه، سخت بیمار شد. شبی امیرالمؤمنین ﷺ را در خواب دید که به او می‌فرماید: «به علم‌الهدی بگو برای تو دعا کند تا از بیماری خلاص شوی». وزیر عرض کرد: «علم‌الهدی کیست؟» آن حضرت فرمود: «علی‌بن‌حسین، علم‌الهدی است». از آن پس، وزیر فرمان می‌دهد که همه، سید را به این لقب بخوانند.

سید پس از ورود به محضر استاد گران‌قدرش، شیخ مفید ﷺ، درجات کمال را به سرعت طی کرد و عالمی جامع شد. روزی به استادش در مسئله‌ای اشکال کرد. آنچه شیخ مفید ﷺ می‌گفت قبول نمی‌کرد. بحثشان به نتیجه‌ای نرسید و هیچ‌یک از گفته خود کوتاه نیامد. قرار براین شد که مسئله را بنویسند و روی صندوق مدفن مبارک امیرالمؤمنین ﷺ بگذارند تا آن حضرت حق را مشخص کند. پس از آن، وقتی کاغذ را برداشتند، دیدند که با خط سبز بر روی کاغذ نوشته شده: «انت شیخی و معتمدی و الحق مع ولدی، علم الهدی».

سید پس از وفات شیخ مفید ﷺ عهده‌دار زعامت شیعه و پیشوای فقهی و کلامی امامیه شد. اهل سنت در عصر سید مرتضی، برای جلوگیری از تشتّت و فزونی آرا تصمیم گرفتند بر چهار مذهب مالکی، شافعی، حنبلی و حنفی اجماع کنند. سید کوشش بلیغی کرد تا مذهب شیعه نیز به رسمیت شناخته شده و بر پنج مذهب اجماع شود. خلیفه وقت، مبلغ بالایی درخواست کرد تا موافقت کند. سید از اموال خود نیمی از آن مبلغ را فراهم کرد، ولی افسوس که سایر شیعیان در وضعیتی نبودند که بتوانند باقی آن را تأمین کنند. سید اگرچه موفق به این کار نشد، اما با سعی و جهد علمی، پایه‌های مذهب شیعه را مستحکم کرد.

بیش از هشتاد عنوان کتاب از سید مرتضی نام برده‌اند، ولی افسوس که تعداد کمی از آنها در دسترس است. اما گویا از همان تعداد کم نیز، همه‌اش به چاپ نرسیده. آیت‌الله بهجت ﷺ همیشه حسرت می‌خورد و می‌گفت: «خدا کند، کتاب‌های علمای بزرگ مذهب، نظیر شیخ مفید و صدوق و سیّدَین (سید رضی و سید مرتضی) به چاپ برسد!».

سید پس از عمری پربرکت، در سال ۴۳۶ هـ.ق. در بغداد دار فانی را وداع گفت. پسرش بر پیکر او نماز گزارد و در خانه خود به خاک سپرده شد. پیکر پاک او و برادرش، سید رضی، پس از سال‌ها به کربلا منتقل و در رواق حسینی ﷺ، در جوار قبر جدشان، ابراهیم مجاب، به خاک سپرده شد.